

معرفی ماه رمضان، ضیافت الهی

رمضان یا رَمَضانُ المَبَارَک نهمین ماه قمری که روزه در آن بر مسلمانان، واجب است. در روایات، فضائل متعددی برای ماه رمضان گفته شده و این ماه، ماه میهمانی خدا، ماه رحمت و مغفرت و برکت و بهار قرآن خوانده شده است. براساس احادیث، در این ماه درهای آسمان و بهشت گشوده و درهای جهنم بسته می‌شود. شب قدر که نزول قرآن در آن شب بود، در این ماه قرار دارد. برخی دیگر از کتاب‌های آسمانی همچون تورات و انجیل نیز در این ماه نازل شده است. رمضان، تنها ماهی است که نام آن در قرآن آمده است. این ماه، نزد مسلمانان احترام و جایگاه ویژه‌ای دارد و مسلمانان به عبادت در آن اهتمام ویژه‌ای دارند. در منابع دعایی، اعمال و عبادت‌های مختلفی برای این ماه نقل شده است. از مهم‌ترین اعمال این ماه، تلاوت قرآن، احیای شب‌های قدر، دعا، نماز، استغفار، افطاری دادن و کمک به نیازمندان است.

از وقایع مهم این ماه، نزول قرآن در شب قدر و شهادت حضرت علی (علیه‌السلام)، نخستین امام شیعیان، در بیست و یکم ماه است. امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) نیز در پانزدهم این ماه متولد شده است.

رمضان، پدیده‌ای که همیشه تازه است

زندگی ما پر از ریتم‌های ثابت تکرارشونده است. از تکرار مداوم شب و روز گرفته، تا انواع کارهایی که باید هر روز انجام بدهیم. اما در بین این تکرارها، تنها ماه رمضان پدیده‌ای همیشه تازه است.

تکرارها، عادت‌ها را شکل می‌دهند و عادت‌ها، انجام کارها را تسهیل می‌کنند. اصلاً اگر عادت‌ها نبودند زندگی غیرقابل تحمل بود. چون آن وقت، ما مجبور بودیم برای هر بار نوشتن، رانندگی و بسیاری از مهارت‌های دیگری که انجام آنها عادت می‌شوند، به اندازه روز اول تمرکز و دقت به خرج دهیم. البته عادت‌ها با تمام مفید بودنشان می‌توانند، زندگی را به امری یکتواخت تبدیل کنند. مثلاً اگر ما به طلوع خورشید عادت کنیم، دیگر از دیدن چنین پدیده باعظمت و شگفت‌انگیزی به وجد نمی‌آییم، یا اگر به رفت و آمد فصل‌ها عادت کنیم دیگر همه فصل‌ها پیش چشم‌مان رنگ می‌بازند.

اما این اتفاق نمی‌افتد و شاید یکی از دلایل آن، ظرایفی است که در هر یک از آنها برای ما پرداخته شده است. مثلاً تغییر رنگ برگ‌های درختان که در توالی فصل‌ها حتی عادت‌زده‌ترین چشم‌ها را هم به خود متوجه می‌کند. همین ظرایف باعث می‌شوند که شور و شمع و شیرینی، در زندگی ما جاری باشد. مثلاً اگر تمام سال را روزه‌داری می‌کردیم، دیگر ممکن نبود از آمدن ماه رمضان هیجان‌زده شویم. هیجانی که هرچه رشد روحی ما بیشتر می‌شود، زودتر و تندتر به سراغمان می‌آید. هیجان شرکت در یک میهمانی عظیم.

رمضان، ضیافت یک دوست و یار قدیمی است

همه ما وقتی به میهمانی غریبه‌ها دعوت می‌شویم، معذّب‌ایم. تمام مدت میهمانی یک گوشه کز می‌کنیم و آرزو می‌کنیم هرچه زودتر آن مجلس تمام شود و برگردیم خانه خودمان. اما خدا نکند که یک دوست و یار قدیمی دعوت‌مان کند! در ماه رمضان ما به میهمانی یک دوست قدیمی و صمیمی دعوت می‌شویم.

حال تصور کنید یک دوست خیلی صمیمی و جان جانی ما را دعوت کرده و می‌خواهیم به دیدنش برویم. از چند هفته زودتر برای آن شب خاص برنامه‌ریزی می‌کنیم، لباس می‌خریم، وقت آرایشگاه می‌گیریم، بازار را برای پیدا کردن یک هدیه مناسب زیر و رو می‌کنیم و... وقتی هم آن جا هستیم، اصلاً دلمان نمی‌خواهد برگردیم. از لحظه‌ای که آماده برگشتن می‌شویم تا لحظه‌ای که واقعاً از آن مجلس خارج شویم، چند ساعت طول می‌کشد! از داخل منزل تا دم در، ده بار خداحافظی می‌کنیم! واقعاً چرا ما از این مهمانی این قدر لذت می‌بریم؟ به چند دلیل:

اول این که: میزبان را می‌شناسیم.

دوم این که: دوستش داریم.

سوم این که: با او انس و رفاقت دیرینه داریم.

چهارم این که: حرف‌های مشترک زیادی برای گفتن داریم.

پنجم این که: می‌دانیم او هم ما را دوست دارد و آن میهمانی را به افتخار ما ترتیب داده است.

و ششم این که: با آمادگی قلبی وارد این میهمانی می‌شویم.

شاید شما هم بتوانید دلایل دیگری را به مجموعه بالا اضافه کنید. همه این دلایل، باعث می‌شود ما از یک میهمانی نهایت لذت و بهره‌برداری را داشته باشیم.

چرا ما از رمضان ماه میهمانی خدا لذت نمی‌بریم؟

حال برگردیم به میهمانی رمضان. همه ما این جمله مشهور پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را شنیده‌ایم که می‌فرماید: «در ماه رمضان، شما به میهمانی خدا دعوت شده‌اید»، اما شنیدن این جمله دیگر برای ما عادی شده است. شاید به همین دلیل عادت‌زدگی است که؛ از این که خداوند یک ضیافت بی‌نظیر ترتیب داده و ما را دعوت کرده، کمتر هیجان‌زده‌ایم و گاهی اوقات، غرولند می‌کنیم که چرا زودتر تمام نمی‌شود تا ما راحت شویم و برگردیم خانه خودمان! واقعاً چرا ما آن‌گونه که باید، لذتی از حضور در این ضیافت نمی‌بریم و بهره‌ای از آن نصیب‌مان نمی‌شود؟ پاسخ را باید در یکی از همان دلایلی که گفتیم جستجو کرد. ما از حضور در مهمانی خداوند لذت نمی‌بریم، چون:

- او را نمی‌شناسیم.
- با او هیچ انس و رفاقتی نداریم.
- واقعاً باور نداریم که این مهمانی به افتخار ما ترتیب داده شده، چون خودمان را هم نمی‌شناسیم!
- و آخرین دلیل که شاید مهم‌ترین دلیل هم باشد، این است که: ما با آمادگی وارد این مهمانی نمی‌شویم.

مهمترین مسئله برای آمادگی داشتن، آمادگی «قلب» است. «قلب» که آماده نباشد انسان از هیچ عبادتی بهره نمی‌برد. نه فقط عبادت همه کارها همین‌طور است. اساساً ریاضیات قلب ما طوری طراحی شده که برای بهره‌برداری درست از هر چیزی نیاز به مقدمه‌چینی و کسب آمادگی دارد. به همین دلیل هم سخنران‌ها قبل از شروع به صحبت، دقایقی را به

مقدمه‌چینی اختصاص می‌دهند و دقیقاً به همین دلیل نویسندگان چند صفحه‌ اول هر کتاب را به عنوان بندی، فهرست و مقدمه اختصاص می‌دهند. قطعاً شنیده‌اید که بزرگان توصیه می‌کنند قبل از ایستادن به نماز به وسیله اذان و اقامه قلب‌تان را آماده کنید تا در طول نماز حضور قلب داشته باشید. اصولاً مقدمه‌سازی در هر کاری لازم است. مقدمه‌سازی اکسیر معجزه‌گری است که حضور قلب می‌آورد و تمرکز را افزایش می‌دهد.

در مورد ماه رمضان هم همین‌طور است. به همین دلیل هم هست، که خداوند دعوت‌نامه این ماه را از دو ماه جلوتر می‌فرستد، تا انسان خودش را برای ورود به این ضیافت آماده کند. کسانی که از ماه رجب و شعبان به‌خوبی استفاده می‌کنند، روحشان برای دریافت انوار و برکات الهی در ماه رمضان آماده‌تر است. اما اگر به هر دلیل رجب و شعبان را از دست داده‌اید، اصلاً نگران نباشید! زیرا هر دقیقه از ماه رمضان به اندازه سال‌ها، قدرت سازندگی دارد.

در باب شرایط آماده‌سازی قلب در این ماه و حفظ حضور قلب در طول آن، در روزهای آینده بیشتر صحبت خواهیم کرد. با ما همراه باشید و نظرات‌تان پیرامون روش‌های آماده‌شدن برای حضور در این ضیافت مبارک را برای‌مان بنویسید.